

نقش بیداری و خودباوری ملی در تحقق الگوی اقتصاد مقاومتی مبتنی بر اندیشه امام خمینی علیه السلام

تاریخ دریافت: 1397/1/23 تاریخ پذیرش: 1397/6/19

* سیدحسین حسینی
* محمدتقی محبی

چکیده

یکی از پایه‌های تحقق الگوی اقتصاد مقاومتی و حل مشکلات اقتصادی کشور، تحقق مشارکت مردمی در اقتصاد و شکل‌گیری اقتصاد مردم‌محور است. گام نخست جهت تحقق و شکل‌گیری مشارکت مردمی در اقتصاد تبیین مدل و ابعاد نظری آن است. در مقاله پیش‌رو کوشیده شده است با بررسی اندیشه‌های حضرت امام خمینی علیه السلام - که توانستند بزرگ‌ترین حماسه‌های مشارکت مردمی را در عرصه‌های گوناگون اجرا و پیاده‌سازی کنند - به کمک روش «نظریه پردازی داده‌بنیاد»، برخی از ابعاد مدل پیش‌گفته، بررسی و تبیین شود. بعد از احصا و بررسی بیانات وی، مدلی برای مشارکت مردم در اقتصاد به دست آمد که به ترتیب از سه گام «بیداری و خودباوری ملی»، «همت، عزم و اراده ملی» و «قیام و مشارکت ملی» تشکیل شده است. بیداری و خودباوری، نخستین و مهم‌ترین جزء این مدل شمرده می‌شود.

واژگان کلیدی: بیداری، اقتصاد مقاومتی، خودباوری، مشارکت مردمی در اقتصاد، اقتصاد مردم‌محور، امام خمینی علیه السلام.

طبقه‌بندی JEL: O15, J24, Z12.

Email: sho.hosseini@chmail.ir.

*. دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد و معارف اسلامی.

Email: drmohebbi@eco.dsi.co.ir.

*. * عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق علیه السلام.

مقدمه

وقتی الگوی اقتصاد مقاومتی مورد تدقیق قرار گرفته و مسایل اصلی و پایه‌ای آن بررسی می‌شود، به وضوح مشخص می‌شود که مردم نقشی بسیار اساسی و اثرگذار در آن دارند. به عبارتی بهتر مردمی شدن اقتصاد را می‌توان یکی از مهم‌ترین و پایه‌ای‌ترین ویژگی‌های این الگو شمرد (یوسفی، 1395، ص 25). پایه و اساس بودن حضور و محوریت مردم در جهت تحقق اقتصاد مقاومتی مطلبی است که هم با رجوع به ادبیات موجود اقتصاد مقاومتی به دست می‌آید (پیغامی، 1395، ص 179) و هم با توجه به مقدمه و سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی. اگر کارها با تدبیر، برنامه‌ریزی و ملاحظه همه ظرایف و دقایق، در هر حوزه‌ای که باشد، به مردم واگذار شود، می‌توان انتظار داشت که کارها پیش برود. در غیر این صورت اگر کار متوقف نشود به قطع با کندی پیش خواهد رفت. این فقط یک ادعا نیست بلکه واقعیتی است که با پژوهش و بررسی در سطح دنیا، به تأیید خواهد رسید (حسینی و کجوری، 1395، ص 239-237).

حضرت امام خمینی علیه السلام در به‌کارگیری مردم و تعامل با آن‌ها در مناسبات گوناگون سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، نوآوری‌های شگرفی داشتند. وی با پدیدساختن بیداری و خودباوری در ملت، عزم و قیام مردمی پدید آورده و توانسته به کمک مردم، وقایع عظیمی چون انقلاب اسلامی و دفاع مقدس را رقم بزنند؛ زیرا در نگاه وی مردم صاحب کشور و آینده هستند. درست شبیه آنچه با مشارکت مردمی در عرصه‌های سیاسی و نظامی و دفاع و مقاومت و در نتیجه پیروزی در این حوزه‌ها رخ داده است، می‌تواند، بنا به بیانات حضرت امام خمینی علیه السلام، در عرصه اقتصاد و مقاومت اقتصادی هم رخ دهد؛ یعنی با توجه به بیانات وی می‌توان ثابت کرد که اگر آحاد مردم به‌صورت آگاهانه، خودباورانه و فعالانه، در عرصه‌های اقتصادی کشور مشارکت کنند، بی‌گمان یکی از پایه‌های اساسی اقتصاد مقاومتی محقق شده و این مشارکت موجبات رشد و پیشرفت اقتصادی همه‌جانبه را فراهم آورده و باعث تعجب جهانیان خواهد شد (حسینی و حسینی، 1395، (ب)، ص 3).

با توجه به توضیحات پیشین، پرسش اصلی که پژوهش پیش‌رو در صدد پاسخ‌گویی به آن است این‌که «با توجه به بیانات امام خمینی علیه السلام، بیداری و خودباوری ملی چه نقشی در تحقق مشارکت مردمی، به‌عنوان یکی از ارکان الگوی اقتصاد مقاومتی، دارد؟»

بررسی اندیشه امام خمینی علیه السلام از این جهت بسیار ضروری است که وی بنیان‌گذار نظام جمهوری اسلامی بوده و مطلوب‌های نظام را می‌توانند به خوبی ترسیم کنند. افزون بر این وی توانستند در طول حیات پر برکت خویش ظرفیت‌های مردمی را در برخی عرصه‌ها بروز و ظهور بخشند.

پیشینه پژوهش

در پژوهش پیش‌رو، نقش بیداری و خودباوری ملی در تحقق مردم‌محوری اقتصاد و در نتیجه الگوی اقتصاد مقاومتی، مبتنی بر اندیشه امام خمینی علیه السلام، بررسی و تبیین خواهد شد و این آن چیزی است که در آثاری که در این‌باره نوشته شده، دیده نشده است. آثار مرتبط با مسئله تحقیق پیش‌رو را می‌توان در چند گروه قرار داد.

گروه نخست شامل آثاری می‌شود که به تبیین اقتصاد مقاومتی و نقش مردم در آن پرداخته‌اند ولی در آن‌ها به ارتباط بین بیداری و خودباوری ملی و مردمی‌شدن اقتصاد یا اقتصاد مقاومتی پرداخته نشده است؛ برای نمونه، پیغامی (1395) به تبیین مفهوم اقتصاد مقاومتی پرداخته و مردم‌محوری، دانش‌بنیانی، درون‌زایی، برون‌گرایی، عدالت‌محوری و ... را از ارکان آن برشمرده اما اشاره چندانی به بحث بیداری و خودباوری ملی نکرده است، ضمن این‌که بحث‌های کتاب بر اندیشه امام خمینی علیه السلام استوار نشده است. هم‌چنین یوسفی (1395) در صدد طراحی مدل‌های مشارکت مردمی در اقتصاد مقاومتی براساس مبانی اسلامی، دیدگاه‌های امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری بوده است اما مستقیم به ارتباط بین خودباوری ملی با اقتصاد مقاومتی نپرداخته است.

گروه دوم شامل آثاری می‌شود که به خودباوری در موضوعات گوناگون پرداخته‌اند اما هیچ مطلبی درباره ارتباط بین خودباوری و اقتصاد مقاومتی بیان نکرده‌اند؛ برای نمونه، نوری و همکاران (1394) کوشیده‌اند به روش هم‌بستگی ارتباط بین خودباوری و پیشرفت تحصیلی را در درس فیزیک دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر اصفهان مشخص کنند.

گروه سوم نیز شامل آثاری می‌شود که کوشیده‌اند مطلبی در بیان ارتباط بین خودباوری و اقتصاد مقاومتی بیان کنند اما در پی پاسخ به پرسش خود مبتنی بر اندیشه حضرت امام خمینی علیه السلام نبوده‌اند؛ برای نمونه، میلانی (1394) کوشیده به صورت توصیفی - تحلیلی به شاخص‌های اقتصاد مقاومتی و ارتباط آن با خودباوری ملی و چالش‌هایی که در این راه وجود دارد؛ مانند عدم اجماع نظر مسئولان، عدم وجود زیرساخت‌های مناسب و وابستگی اقتصادی به درآمد حاصله از فروش نفت پردازد.

روش تحقیق

پس از بررسی‌های انجام‌شده، روش «نظریه‌پردازی داده‌بنیاد» (Grounded Theory) به‌عنوان روش مناسب برای پاسخ‌گویی به پرسش تحقیق پیش‌رو انتخاب شد. نظریه داده‌بنیاد عبارت است از فرآیند ساخت یک نظریه مستند و مدون، از راه‌های گردآوری سازمان‌یافته داده‌ها و تحلیل استقرایی مجموعه گردآوری شده، به منظور پاسخ‌گویی به پرسش‌های نوین، در زمینه‌هایی که فاقد مبانی نظری کافی برای تدوین هرگونه فرضیه و آزمون آن هستند، به عبارت دیگر نظریه داده‌بنیاد، روشی است که نظریه‌ها، مفهومی‌ها، فرضیه‌ها و قضیه‌ها را طی یک فرآیند منظم، به جای استنتاج از پیش‌فرض‌های پیشین، دیگر پژوهش‌ها یا چارچوب‌های نظری موجود، به‌طور مستقیم از داده‌ها کشف می‌کند (مهرابی و همکاران، 1390، ص 7). فرآیند روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد به شرح زیر است (دانایی‌فرد و امامی، 1386، ص 23-9):

الف) انتخاب نظریه‌پردازی داده‌بنیاد به‌عنوان استراتژی پژوهش

از آن‌جا که این نظریه، در داده‌ها بنیان دارد، نسبت به نظریه‌ای که از مجموعه نظریه‌های موجود اقتباس شده و تطبیق داده می‌شود، تبیین بهتری ارائه می‌دهد؛ زیرا با موقعیت تناسب دارد و در عمل واقعاً کارآمد است.

ب) در نظر گرفتن یک فرآیند برای بررسی و مطالعه

در پژوهش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، یک فرآیند، زنجیره‌ای از کنش‌ها و برهم‌کنش‌ها بین افراد و وقایع مربوط به یک موضوع است.

ج) انجام نمونه‌برداری نظری

نمونه‌برداری نظری (Theoretical Sampling)، فرآیند جمع‌آوری داده برای تولید نظریه است که به آن وسیله تحلیل‌گر، به‌طور هم‌زمان داده‌هایش را جمع‌آوری، کدگذاری و تحلیل کرده و تصمیم می‌گیرد به منظور بهبود نظریه خود تا هنگام ظهور آن، در آینده چه داده‌هایی را جمع‌آوری و در کجا آن‌ها را پیدا کند.

د) کدگذاری داده‌ها

سه فن برای کدگذاری پیشنهاد شده است: الف) کدگذاری باز (Open Coding؛ ب) کدگذاری محوری (Axial Coding؛ ج) کدگذاری انتخابی (Selective Coding). کدگذاری باز فرآیند تحلیلی است که به‌وسیله آن، مفهوماً شناسایی شده و ویژگی‌ها و ابعاد آن‌ها در داده‌ها کشف می‌شوند. در این مرحله، نظریه‌پرداز داده‌بنیاد، مقوله‌های اولیه اطلاعات درباره پدیده در حال مطالعه را به وسیله بخش‌بندی اطلاعات شکل می‌دهد. پژوهشگر مقوله‌ها را بر همه داده‌های جمع‌آوری شده مانند مصاحبه‌ها، مشاهده‌ها و وقایع با یادداشت‌های خود بنیان می‌گذارد: «منظور از مفهوم‌ها، برجسب‌های مفهومی هستند که بر حوادث یا دیگر پدیده‌ها زده می‌شوند» (تراب‌زاده‌چهرمی و همکاران، 1392، ص 6). کدگذاری محوری، فرآیند ربط‌دهی مقوله‌ها به زیر مقوله‌ها و پیوند دادن مقوله‌ها در سطح ویژگی‌ها و بُعدهاست. در این مرحله، مقوله‌ها، ویژگی‌ها و ابعاد حاصل از کدگذاری باز تدوین شده و سر جای خود قرار می‌گیرد تا دانش فزاینده‌ای در مورد روابط پدید آید. کدگذاری انتخابی، به فرآیند انتخاب مقوله محوری، پیوند نظام‌مند آن با دیگر مقوله‌ها، ارزش‌گذاری روابط بین آن‌ها و درج مقوله‌هایی که نیاز به تأیید و توسعه بیشتری دارند، اشاره دارد. در حقیقت در این مرحله، نظریه‌پرداز یک نظریه را از روابط فی‌مابین مقوله‌های موجود در مدل کدگذاری محوری می‌نگارد (همان).

ه) استفاده از کدگذاری انتخابی و خلق نظریه

در این مرحله از کدگذاری، نظریه‌پرداز داده‌بنیاد، یک نظریه از روابط فی‌مابین مقوله‌های موجود در مدل کدگذاری محوری می‌نگارد. در یک سطح اصلی، این نظریه شرحی انتزاعی برای فرآیندی که در پژوهش مطالعه می‌شود، ارائه می‌دهد.

و) یادداشت نگاری

یادداشت‌ها، یادداشت‌هایی هستند که پژوهشگر در سرتاسر فرآیند پژوهش می‌نویسد تا ایده‌هایی را درباره داده‌ها و مقوله‌های کدگذاری شده شرح دهد.

ز) اعتبارسنجی نظریه

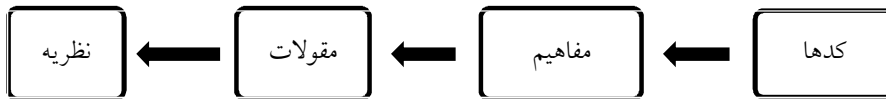
پس از تدوین یک نظریه، نظریه‌پرداز داده‌بنیاد، فرآیند را به وسیله مقایسه آن با فرآیندهای موجودی که در پیشینه تخصصی یافت می‌شود اعتبارسنجی می‌کند.

ح) نگارش و ارائه نظریه

نظریه‌پردازان داده‌بنیاد، نظریه خودشان را در سه شکل ممکن ارائه می‌دهند: الف) الگوی کدگذاری بصری؛ ب) مجموعه‌ای از قضایا (یا فرضیه‌ها)؛ ج) داستانی که به شکل روایی نوشته می‌شود.

به‌طور خلاصه می‌توان راه تکامل نظریه در استراتژی نظریه‌پردازی داده‌بنیاد را به‌صورت زیر به نمایش درآورد (همان، ص 7):

مدل یک: راه تکامل نظریه در استراتژی نظریه‌پردازی داده‌بنیاد



با توجه به توضیحاتی که پیش از این گذشت، در پژوهش پیش‌رو به کمک روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد مجموعه 22 جلدی صحیفه امام، به‌عنوان منبع اصلی پژوهش، بررسی شد. طبق روش پیش‌گفته باید ابتدا کدگذاری‌ها سپس مفهوم‌ها و در مرحله واپسین مدل بیان شود اما به‌علت محدودیت در حجم مقاله در اینجا فقط به بیان مفهوم‌ها و مقوله‌ها بسنده می‌شود. در ادامه ابتدا مفهوم‌ها و مقوله‌ها سپس مدل نهایی به‌دست آمده بیان و توضیح داده می‌شود. جدول زیر نشان‌دهنده مفهوم‌ها و مقوله‌های حاصل از کدگذاری و تحلیل بیانات امام خمینی علیه السلام است که طبق روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد به‌دست می‌آید:

جدول یک: مقولات و مفاهیم نهایی برگرفته از کدگذاری

مفهوم‌ها	مقوله‌ها
مفهوم‌پردازی بیداری و خودباوری ملی	
درک درست از جایگاه خود در هستی	جهت‌گیری
شناخت کلیت روابط و اوضاع اقتصادی حاکم بر جامعه و جهان	
مشخص کردن نسبت خود با جهان پیرامون	
نظر به گذشته	
شناخت ظرفیت‌های اقتصادی منطقه و انواع و گستردگی آن‌ها	
شناخت نسبت به ابعاد مشارکت در عرصه اقتصاد	
فرهنگ «ما می‌توانیم»	
ایمان به ظرفیت‌های درونی افراد	نسبت به ظرفیت‌ها
از اسلام	بن‌مایه
مبتنی بر اسلام	
از جامعه و جهان	
عبرت‌گرفتن از گذشته	لوازم
انتقال مباحث مرتبط با جنگ اقتصادی به مردم	
رشد بیش از حد اقتصادی مردم	
متعهد بودن متخصصین کشور	نتایج فقدان
وابستگی و فقر ملی	
تحت سلطه درآمد ملت	
ریشه مشکلات وارده به بشر	ضرورت‌شناسی
تکلیف بودن بیداری و خودباوری	
مقدم‌بودن بیداری و خودباوری	
عدم انحراف یا انصراف ملت	
طی شدن ادامه مسیر مشارکت مردمی	
علت مشارکت مردم در امور جامعه و عرصه‌های بین‌المللی	ساختار و فرآیند
لازمه سالم ماندن اقتصاد از هیجانه‌های بیرونی و درونی	
مسجد با محوریت روحانی	
مدرسه و دانشگاه با محوریت معلم و استاد	
خانه با محوریت والدین	
فرهنگ حاکم بر جامعه با محوریت رسانه	امیدواری در کنار بیداری
رعایت جانب امانت در بیان حقایق	

بیداری و خودباوری ملی

پیوسته بودن و کمک گرفتن از فضا سازی (در فرآیند بیداری)		
در نظر نگرفتن صرف علل و عوامل مادی		
کمک گرفتن از فرهنگ اسلامی و حرکت به سمت آن		
حد مطلوب؛ مشارکت همگانی در بیداری مردم		
ضرورت شناسی		
ماهیت و ویژگی‌ها	ایستادگی در راه هدف	
	اندیشیدن در پیامدهای رسیدن به هدف	
	نیاز نبودن به عامل بیرونی	
	باز شدن درهای رحمت و غیب	
مفهوم‌پردازی قیام و مشارکت		
ساختار	نقش اساسی نیت الهی	
	امکانات و حمایت مالی	
	نگاه از پایین به بالا و نقش طبقات مستضعف	
	جناح‌های پیشرو	
	قرآن و جریان روحانیت	
	ضعف در ایمان	
دلایل نینجامیدن بیداری به قیام	فشار نیروهای حاکم	
	تبلیغات عمال استعمار	

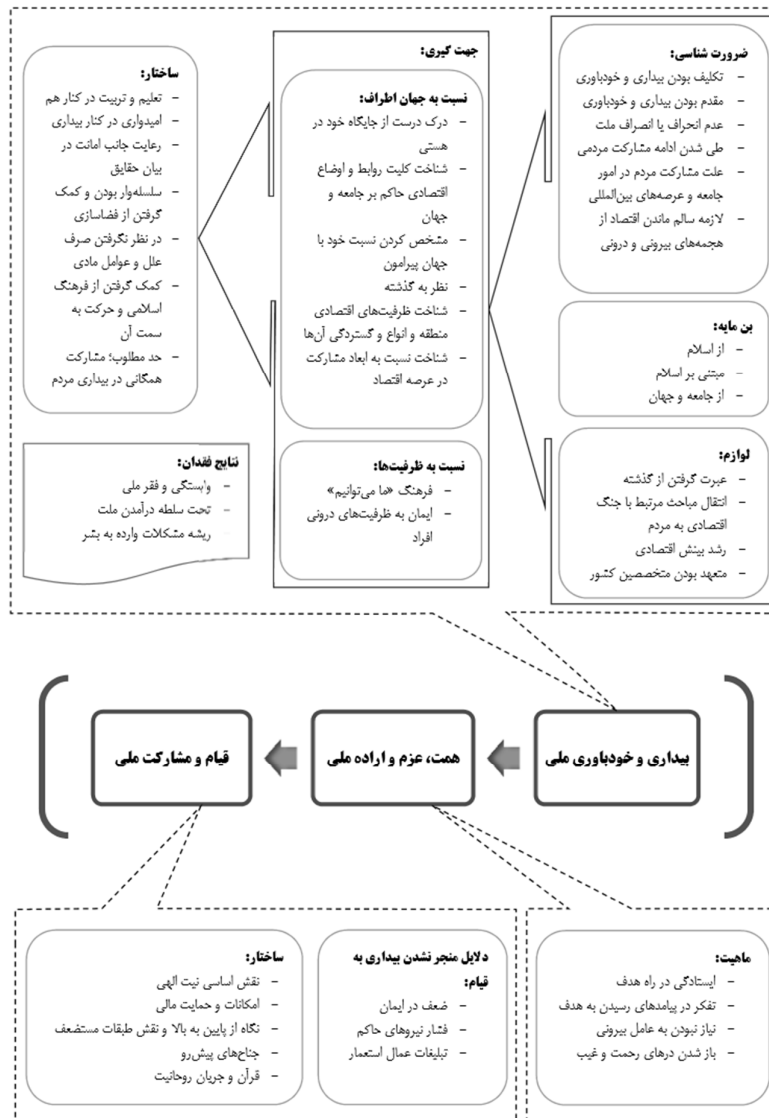
منبع: یافته‌های تحقیق.

مدل نهایی، که شکل و توضیحات آن در ادامه بیان شده، شامل سه مقوله است که طبق جدول پیشین از تعداد 49 مفهوم کلی به دست آمده از 126 کد حاصل شده است. طبق این مدل، مشارکت مردمی از سه مقوله، با ترتیبی که مشخص می‌باشد، تشکیل شده است: الف) بیداری و خودباوری ملی؛ ب) همت، عزم و اراده ملی؛ ج) قیام و مشارکت مردمی. مقوله سوم یکی از مؤلفه‌های محوری و یکی از ارکان اقتصاد مقاومتی شمرده می‌شود. به عبارت دیگر اگر قیام و مشارکت مردمی در اقتصاد رخ دهد بی‌گمان یکی از ارکان اقتصاد مقاومتی محقق شده است. همان‌گونه که در شکل نیز قابل مشاهده است. بیداری و خودباوری ملی از دو جهت اصلی‌ترین و مهم‌ترین مقوله یا گام* در این بین شمرده می‌شود: الف) بدون وقوع آن اساساً نمی‌توان انتظار داشت دو مقوله دیگر مدل رخ دهد؛ ب) طبق نتیجه‌های

*. برای بهتر نشان دادن ارتباط بین مقوله‌ها و ساختار مدل کوشش شده است از لفظ «گام» استفاده شود.

به دست آمده که در ادامه بیان خواهد شد، اگر گام بیداری و خودباوری ملی رخ دهد دو گام بعدی به طور پیوسته و بدون نیاز به مداخله بیرونی چندانی به وقوع خواهد پیوست؛ بنابراین بیشترین کوشش باید در جهت تحقق گام نخست باشد:

مدل 2: مدل نهایی مقوله‌های مشارکت مردمی و ارتباط بین آنها



در ادامه کوشیده شده است ساختار مدل و روابط حاکم بر مقوله‌ها و مفهوماها که در بالا به صورت شماتیک نمایش داده شده، با جزئیات بیشتری توضیح داده شود.

بعد از احصا و بررسی بیانات حضرت امام خمینی علیه السلام درباره فرآیند مشارکت مردمی در عرصه‌های گوناگون اجتماع از جمله اقتصاد، طبق آنچه توضیح داده شد، این نتیجه حاصل می‌شود که وی برای حضور، مشارکت و حرکت یک ملت در جهت دستیابی به هدف که در نگاه وی رسیدن به کمال تعریف می‌شود، به طی راهی باور دارند که در آن باید چند گام زیر، به ترتیب به انجام برسد. به عبارت دیگر همان‌گونه که وی برای حرکت یک فرد در جهت کمال به طی گام‌هایی مانند یقظه، عزم و ... باور دارند (جهانی‌پور، 1387، ص 37)، ملت را نیز به مثابه یک کل واحد می‌بینند که قرار است در سیر الی الله حرکت کرده و رشد کند. لازمه این حرکت و این‌که ملت بتواند سرپای خود ایستاده و خودش کشورش را اداره کند، گام‌هایی است که باید به ترتیب طی شود (موسوی‌خمینی، 1385، ج 13، ص 531). گام نخست از این سیر و طی راه، همان چیزی است که از آن به بیداری و خودباوری ملی یاد می‌کنیم؛ این گام‌ها عبارت هستند از:

گام اول) بیداری و خودباوری؛

گام دوم) همت، عزم و اراده؛

گام سوم) قیام و مشارکت.

از آن‌جا که در تحقیق پیش‌رو هدف تبیین نقش بیداری و خودباوری ملی در تحقق الگوی اقتصاد مقاومتی بوده است، آنچه در مدل پیش‌گفته نمایش داده شده و آنچه در ادامه می‌آید توضیح تفصیلی گام نخست است و درباره گام‌های دوم و سوم فقط به توضیح مختصری بسنده شده است.*

*. این خودداری هم به علت محدودیت در حجم مقاله و هم به علت نیاز نبودن به بیان مفصل آن‌ها بوده است. علاقه‌مندان می‌توانند جهت اطلاع تفصیلی درباره دو گام بعدی به پژوهش‌های مرکز تحقیقات بسیج دانشگاه امام صادق علیه السلام درباره مردمی کردن اقتصاد مراجعه کنید.

گام اول؛ بیداری و خودباوری

مهم‌ترین راه‌کار و نخستین گامی که برای دستیابی به وضعیت مطلوب می‌توان ارائه کرد این است که باید مردم را به یک آگاهی و خودباوری اقتصادی رساند. بعد از این گام در مردم همت و انگیزه برای حضور و مشارکت پدید آمده و در انتها به قیام مردمی در برپایی اقتصادی خواهد انجامید که مقاومت در برابر هجوم‌های اقتصادی دشمن یکی از ویژگی‌های آن خواهد بود.

تعریف بیداری و خودباوری

بیداری نوعی آگاهی و شناخت است، اما هر شناختی را نمی‌توان بیداری شمرد؛ به‌طور مختصر بیداری یعنی شناخت آگاهانه و از روی توجهی که مورد باور قرار گرفته و به تحولات و دگرگونی‌های بیرونی می‌انجامد (حسینی و حسینی، 1395 (الف)، ص 118). به عبارت دیگر اگر نسبت به موضوعاتی که در زیر می‌آید، شناخت از روی آگاهی و توجه صورت گرفته و این شناخت مورد باور مردم قرار گیرد، آن‌گاه می‌توان گفت یک بیداری در آنان حاصل شده که به تحولات بیرونی خواهد انجامید. این شناخت باید نسبت به دو چیز صورت گیرد که در ادامه توضیح این دو بیان شده است:

الف) نسبت به جهان اطراف؛

ب) نسبت به ظرفیت‌ها.

شناخت نسبت به جهان اطراف به این معناست که مردم جایگاه خود در هستی را به درستی بشناسند (موسوی خمینی، 1385، ج 11، ص 223)، نسبت خودشان را با محیط اطراف مشخص کنند، بدانند که در پیرامون آن‌ها چه می‌گذرد و دیگران چه نوع تعاملی با آن‌ها دارند (همان، ج 13، صص 535 و 537). مردم نسبت به کلیت روابط و اوضاع اقتصادی حاکم بر جامعه و جهان، ظرفیت‌های اقتصادی منطقه خودشان و انواع و گستردگی آن‌ها، موضوع، مورد، هزینه‌ها و فرصت‌های مشارکت در عرصه اقتصاد، آشنایی، آگاهی و توجه داشته بنابراین حضور آنان در عرصه‌های اقتصاد، حضوری آگاهانه خواهد بود. از طرف دیگر ملت به گذشته نیز نظر داشته و حافظه تاریخی او زنده و فعال باشد.

این شناخت باید؛ اولاً، از اسلام (همان، ج 1، ص 163)؛ ثانیاً، مبتنی بر اسلام؛ ثالثاً، از جامعه و جهان باشد.

شناخت از اسلام به این معنا که بیداری و آگاهی که باید در مردم نسبت به جهان اطراف شکل بگیرد، باید از سنخ بیداری اسلامی (همان، ج 17، ص 163) و در جهت ارزش‌های انسانی باشد. این آگاهی باعث می‌شود تا سنخ بیداری و تربیت ملت، اسلامی بوده و ملت در راه خداوند متعال ﷻ و اسلام قدم بردارد. آن‌گاه خداوند متعال ﷻ به وی عنایت کرده و نیرو می‌دهد؛ بنابراین ملت قیام و تا پای جان نیز ایستادگی می‌کند (همان، ج 19، ص 484). این تربیت اسلامی است که از یک طرف باطن را تربیت می‌کند که باعث حفظ آخرت و از طرف دیگر باعث حفظ مصالح دنیوی شود (همان، ج 17، ص 533).

شناخت مبتنی بر اسلام یعنی این که شناخت مردم نسبت به اطراف باید براساس آموزه‌های اسلامی و از راه کانال اسلام باشد. به عبارت بهتر شناخت از اسلام که در بند پیش بیان شد؛ یعنی مردم نسبت به خود اسلام و آموزه‌های اسلامی شناخت پیدا کنند و شناخت مبتنی بر اسلام یعنی مردم بر مبنای شناختی که از اسلام پیدا کرده‌اند جهان اطراف خود را شناخته و با آن رفتار کنند. این که این فرآیند چگونه شکل می‌گیرد و انجام می‌شود در قسمت ساختار بیداری که در ادامه می‌آید بیان شده است.

بخش عمده‌ای از مفهوم بیداری اقتصادی به وسیله نشر و تبلیغ آیات و روایات و مفاهیم اسلامی در عرصه‌های اقتصادی مانند: صدقه، زکات، خمس، دفاع اقتصادی، احتکار و مانند آن است و شناخت از جامعه و جهان یعنی مردم باید نسبت به آن چه در عرصه‌های گوناگون جامعه و جهان؛ اعم از سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و سایر حوزه‌ها رخ می‌دهد، به‌طور اجمالی، شناخت داشته باشند. مردم باید در حوزه مسایل مربوط به جامعه، از وضع حکام، از وضع مصرف منابع کشورشان، از این که دردهای ملت چیست و از کجا صدمه می‌خورند، راه درمان چیست، از انقلاب و مانند آن آگاه شوند (همان، ج 17، ص 310-309). در حوزه مسایل مربوط به جهان نیز باید نسبت به چپاول‌ها و چپاولگران بین‌المللی و سیاست‌بازان پیوسته به غرب و شرق و وسوسه‌های شیطانی (همان، ج 21، ص 417)، نسبت به مسایل مسلمانان جهان و لزوم بیداری آن‌ها، نسبت به سلطه‌گری، اقدامات امریکا و عمال آن و این که امریکا می‌خواهد ملت ایران اسلامی را مستعمره خودش قرار داده و حیثیت اسلامی و ملی و ذخایر آن را از بین ببرد، نسبت به دشمن و دشمنی‌ها - به این معنا که دشمن را بشناسند و فکر نکنند که دشمن کوچک، بدون برنامه و بدون نیرو بوده و فقط درباره مسایل سطحی با ملت

دشمنی می‌کند - نسبت به لزوم اتکا به نیروهای خودی و عدم وابستگی، نسبت به پشتیبانی از دولت برای انجام امور کشور و حل مسایل و مفساد کشور توجه و آگاهی داده شده و بیدار باشند (همان، ج 16، ص 483؛ ج 18، ص 58-59؛ ج 19، ص 136-137؛ ج 16، ص 181). یکی از لوازم این کار، آشنایی مردم با علوم است. این علوم باید در جهتی باشند که موجبات پیشرفت ملت را فراهم کرده و در خدمت مردم باشند (همان، ج 17، ص 129-130). مردم باید گم کرده خود را باز یابند و بدانند از دیگر ملل عالم چیزی کم ندارند (همان، ج 21، ص 417). از دیگر لوازم این کار، عبرت گرفتن از گذشته است که مایه بیداری می‌باشد (همان، ج 18، ص 411). هم‌چنین جنایاتی که به مردم می‌شود و شده است، در بیداری مردم نقش مهمی می‌تواند داشته باشد (همان، ج 18، ص 48). از طرف دیگر مواردی مانند حصر اقتصادی، جنگ تحمیلی و ... از این حیث که موجبات بیداری و رشد ملت را فراهم می‌کنند ارزش دارند (همان، ج 18، ص 132).

در این جهت باید مباحث و موضوعات مرتبط با جنگ اقتصادی به مردم انتقال داده شود. همه اقشار ملت نسبت به این‌که نباید ملت از لحاظ اقتصادی وابسته باشد آگاه شده و بصیرت پیدا کنند تا در زمینه رفع وابستگی اقتصادی احساس وظیفه کنند. باید ملت نسبت به ماهیت تحریم، جنگ اقتصادی، حمایت از تولید ملی، دسیسه‌های فرهنگی، اقتصاد مقاومتی و مواردی از این دست که در عرصه اقتصادی به آن نیازمند است بیدار شود.

در جهت این بیداری، باید اطلاعات حوزه‌ها و عرصه‌های اقتصادی به صورت صحیح و شفاف و به زبان خود مردم به آنان برسد. مردم در بیان حقایق، مورد اعتماد قرار گرفته و خیانتی به آن‌ها صورت نگیرد، به این صورت که با پنهان داشتن حقایق و آمار و اطلاعات جلوی بیداری و آگاهی آنان گرفته شده یا به تأخیر افتد. مسایل حوزه اقتصاد باید به وسیله کارشناسان آن، به زبان مردم و به صورت واضح و شفاف و بدون دخالت یا خیانت، به ملت ارائه گردد. در این بیداری باید مردم به یک رشد اقتصادی برسند که از جمله این رشد دانستن مسایلی است که با زندگی مردم عجین شده و مردم را در جهت رسیدن به خواسته‌هایشان یاری می‌دهد. بیداری مردم در اقتصاد با عالم شدن در عرصه اقتصاد متفاوت است. بیداری ناظر به جنبه‌های کلی است و عالم شدن ناظر به جنبه‌های تخصصی.

از جمله اطلاعاتی که باید به مردم انتقال داده شود، اطلاع از توانمندی‌ها و ظرفیت‌های داخلی هر منطقه است. موضوع دیگر فرصت‌های اقتصادی است که مردم می‌توانند در آن‌ها مشارکت کنند. اطلاع دقیق از وضعیت اقتصادی کشور و آمار اقتصادی واضح و شفاف اطلاعات دیگری است که باید در اختیار مردم قرار گیرد. دست‌کاری آمارهای اقتصادی یا مخفی کردن آن‌ها اقدامی برخلاف این رویه می‌باشد.

در این جهت باید مردم را نسبت به ظرفیت‌های اقتصادی اطراف آن‌ها مثل ظرفیت‌های اقتصادی محله، روستا، شهر، استان، کشور و جهان در حوزه‌هایی مثل ظرفیت‌های انسانی، تجاری، کشاورزی، منابع طبیعی، معدنی و دیگر ظرفیت‌های اقتصادی آگاه و بیدار نمود. این در حالی است که اگر این آگاهی و بیداری به آن‌ها نرسد، حتی با وجود ظرفیت‌ها مشارکتی صورت نخواهد گرفت و مردم با وجود ظرفیت‌های بسیار به تنگ‌دستی مبتلا خواهند شد.

شناخت دیگری که باید صورت بگیرد شناخت نسبت به ظرفیت‌هاست، با این توضیح که ملت باید به ظرفیت‌ها و استعدادها خود پی برده و نسبت به آن‌ها بیدار شود (همان، ج 16، ص 113). این شناخت و بیداری همان چیزی است که از آن به «خودباوری ملی» یاد می‌شود. به عبارت بهتر، «خودباوری ملی» یعنی بیداری، با تعریفی که ذکر شد و باور ملت نسبت به ظرفیت‌ها و استعدادهای خود.

مردم اگر به خودباوری برسند و نسبت به ظرفیت‌هایشان بیدار شوند از آن‌ها استفاده می‌کنند. یکی از ظرفیت‌های ملت این است که می‌تواند هر کاری که ملل دیگر کرده‌اند را انجام بدهد و حتی بالاتر و عالی‌تر از آن‌ها. یعنی ملت ایران اسلامی به روح «ما می‌توانیم» یا «مردم می‌توانند» برسد (همان، ج 13، ص 535). مردم بدانند، ایمان بیاورند و باور داشته باشند که می‌شود و می‌توانند، هرچند اگر چند صد سال این‌گونه به آن‌ها القا و باوراند شده باشد و این‌گونه فکر کرده باشند که نمی‌شود و نمی‌توانند (همان، ج 13، ص 87). مردم اگر باورشان این باشد که می‌توانند، آن‌گاه می‌توانند. باور به توانایی، توانایی می‌آورد؛ بنابراین ابتدا باید این باور در مغزها، ذهن‌ها و اندیشه‌های مردم جا بگیرد و جاگیری این باور در مردم به فرهنگ تبدیل شود. مردم بیدار شوند نسبت به این‌که با اتکال و اعتماد به نفس خود، با خودباوری، با کوشش همگانی و اگر مردم افکار و مغزهای خود را به‌کار بیندازند، می‌توانند تمام احتیاجات کشور را بسازند و کشور را مستقل کنند. رسیدن به این باور و فرهنگ باعث

رسیدن به اوج قله‌های پیشرفت در حوزه‌های گوناگون مانند حوزه علمی خواهد شد (همان، ج 15، ص 310). در مشارکت مردمی باید از ظرفیت‌های اصلی خود مردم مانند اندیشه، ایده، نیروی تعقل، قدرت خلاقیت، نوآوری و تولید علم، نیروی بازو و ... آن‌ها بهره برد و این ظرفیت‌ها را به کار انداخت، نه از چیزهایی مانند پول که اگر چه از آن مردم است اما به کار انداختن آن‌ها به جای استفاده از ظرفیت‌های مردم، این ظرفیت‌ها را به تعطیلی می‌کشاند (همان، ج 12، ص 427)؛ بنابراین در مشارکت مردمی، نیروهای مردمی باید در فرهنگ، تولید علم، صنعت، کشاورزی و مانند آن به کار بیفتند نه این‌که این ظرفیت‌ها تعطیل شده و احتیاجات مردم به وسیله کار کردن پول آن‌ها برآورده شود (همان، ج 18، ص 434). در این راه اولویت این است که این بیداری و خودباوری، ابتدا در مسئولان مملکتی پدید بیاید (همان، ج 13، ص 87).

اهمیت بیداری و خودباوری

مرحله بیداری و خودباوری از سه جنبه اهمیت دارد: جنبه نخست این‌که بیداری و خودباوری یک تکلیف است. هم بیدار شدن تک تک مردم و هم بیدار کردن آحاد مردم جامعه و جهان، به‌ویژه دولت‌های کشورهای اسلامی. به این ترتیب هر کوششی در جهت بیداری مردم، نیز یک تکلیف است (همان، ج 17، ص 310-309).

جنبه دوم این‌که، بیداری و خودباوری نخستین قدم در فرآیند مشارکت مردمی است (همان، ج 13، ص 537؛ ج 1، ص 134) و وقتی مسئله بیداری، خودباوری و ثبات حل شود، نگرانی‌های بعد آن که مربوط به اراده ملت و قیام و فعالیت و مشارکت آنان می‌شود، حل خواهد شد (همان، ج 15، ص 309).

جنبه سوم اهمیت این‌دو نیز، به‌علت نتایجی است که در پی دارد. وقتی مردم بیدار شده و نسبت به ظرفیت‌ها و استعدادهای خود باور قلبی پیدا کنند آن‌گاه؛ اولاً، نمی‌توان آنان را از چیزی که می‌خواهند منحرف یا منصرف کرد (همان، ج 5، ص 307)؛ زیرا شناخت درست هدف و مقاومت در راه آن، از نتایج بیداری و خودباوری است؛ ثانیاً، بقیه فرآیند مشارکت مردمی، به‌علت انجام‌شدن نخستین گام، بسیار راحت‌تر و شاید بتوان گفت بدون نیاز به نیروی بیرونی انجام خواهد شد (همان، ج 1، ص 134)؛ ثالثاً، هر کسی در هر جایی که هست

مشغول به فعالیت شده و خدمت خواهد کرد. به همین دلیل تا زمانی که ملت در راه بیداری و اعتماد به خود حرکت می‌کند، در حال پیشرفت خواهد بود (همان، ج 18، ص 162-161)؛ رابعاً، بیداری و خودباوری ملت، باعث مشارکت آنان در امور جامعه و سیاست‌های عرصه بین‌المللی شده و بر تصمیماتی که برای آینده کشور گرفته می‌شود اثرگذار است (همان، ج 18، ص 276) و اساساً لازمه سالم‌ماندن حوزه‌های گوناگون کشور من جمله اقتصاد از گزندها و حمله‌های بیرونی و درونی، بیداری و خودباوری مردم است (همان، ج 19، ص 357)؛ خامساً، این‌که بیداری و اعتماد به نفس ملت به استقلال و آزادی اقتصادی خواهد انجامید (همان، ج 15، ص 340)؛ البته باید دقت شود که نتایج پیش‌گفته، از این نظر که اساساً یک ارزش شمرده شوند یا خیر و این‌که آیا در یک ملت قابلیت وقوع داشته باشند یا خیر، بستگی دارد به نوع بیداری و عقاید آن ملت که متأثر از فرهنگ اوست. در نگاه امام خمینی علیه السلام، فرهنگ، تربیت و بیداری اسلامی به نتایج پیش‌گفته می‌انجامد.

از طرف دیگر، سلب بیداری و خودباوری از یک ملت بدون شک به وابستگی و فقر و پیامدهای آن‌ها، خواهد انجامید (همان، ج 18، ص 162-161). نقطه مقابل بیداری ملت، جهالت یا غفلت ملت است. در جهالت ملت اساساً بیدار نیست اما در غفلت، ملت بیدار است ولی به دلایلی این بیداری به عمل و قیام نمی‌انجامد. این دلیل می‌تواند درونی باشد یا بیرونی. مانند ضعف در ایمان یا در فشار نیروهای حاکم یا تبلیغات که از طریق عمال استعمار صورت می‌گیرد (همان، ج 18، ص 89). از نظر امام خمینی علیه السلام، اساساً تمام رنج‌هایی که بر بشر وارد می‌شود از ناحیه جهل در علم و باور به عقاید اسلامی وی است (همان، ج 20، ص 471).

ساختار بیداری و خودباوری

وقتی قرار است ملت با همه گستردگی و سطح‌بندی و اختلافاتی که از نظر سن و جنسیت و سایر ملاک‌ها دارد، نسبت به یکسری مسایل آشنا، آگاه و بیدار شود، باید برای آن ساختاری طراحی گردد. از جمع‌بندی بیانات امام خمینی علیه السلام می‌توان به یک ساختار تعلیم و تربیت رسید که باید در جهت بیداری و خودباوری مردم از آن بهره برد. عناصر اصلی در این ساختار عبارت هستند از: مسجد با محوریت روحانی، مدرسه و دانشگاه با محوریت معلم و استاد، خانه با محوریت والدین و فرهنگ حاکم بر جامعه با محوریت رسانه. در این نگاه، نقش

تربیتی خانواده و مدارس به‌ویژه دوره‌های ابتدایی تا دبیرستان، به‌عنوان دو بخش از ساختار تربیت کودکان که امید اسلام و نسل آینده هر کشوری شمرده می‌شوند، جهت تربیت نیروی متعهد، نقش به‌سزایی پیدا می‌کند چرا که مردم این مقطع؛ اولاً، آمادگی بیشتری جهت تربیت شدن دارند؛ ثانیاً، در صورت آماده‌شدن و آگاه‌شدن، منحرف‌کردنشان به‌وسیله دشمن در دانشگاه‌ها و بعد آن سخت‌تر خواهد شد. در این ساختار، مراکز تعلیم و تربیت: مدارس، دانشگاه‌ها و مانند آن باید با برنامه‌های اسلامی و ملی به تعلیم، تهذیب و تربیت مردم مشغول باشند تا تربیت‌شدگان در راه اسلام و ملت قدم بردارند (همان، ج 21، ص 430-429). از نظر نقش فرهنگ حاکم بر جامعه در بیداری و اعتماد به نفس مردم، امام خمینی علیه السلام بعد فرهنگی جامعه را مقدم بر دیگر ابعاد و حوزه‌ها و در رأس آن‌ها می‌داند (همان، ج 15، ص 243) چرا که نوع فرهنگ حاکم بر جامعه یعنی سنخ بیداری حاکم بر جامعه. به عبارت دیگر مسئله فرهنگ و تعلیم و تربیت از مسایل اساسی هستند که اگر حل شوند، مابقی مسایل به‌صورت زنجیروار حل خواهند شد (همان، ج 15، ص 309).

ملت باید افزون بر بیداری و خودباوری، امیدوار باشد و امیدوار هم بماند تا بتواند در یک عرصه موفق باشد. از طرف دیگر باید خاطرات گذشته‌ای که در آن‌ها «ما می‌توانیم» به عرصه ظهور رسیده است دائم به ملت یادآوری شود. یادآوری و بیان تجربه‌های از این سنخ کمک می‌کند که کم‌کم ملت بیدار شده و امیدوار بماند (همان، ج 13، ص 535).

در بیدار کردن مردم به حقایق و واقعیات باید جانب امانت رعایت شود. باید هم خیرها و اقدامات خوب به مردم گفته شود و هم شرها و اقدام‌های زشت زیرا مردم خیر را از شر تشخیص می‌دهند و فطرتاً به خیر توجه می‌کنند و چون اسلام خیر است، اگر به‌طور جامع همه ابعاد آن به مردم گفته شود، مردم آن را ذاتاً می‌پذیرند. به همین دلیل در بیداری مردم، علمای اسلام نقش مهمی بر عهده دارند (همان، ج 19، ص 138).

فرایند بیداری و خودباوری مردم باید به‌صورت یک امر پیوسته و با کمک فضاسازی انجام گیرد. پیوسته به این معنا که با برنامه و به‌صورت پشت‌سر هم باشد و وقتی فرآیند پیش‌گفته آغاز شد تا رسیدن به نتیجه ادامه یابد (همان، ج 19، ص 138). با کمک فضاسازی به این معنا که باید از راه‌ها و ابزار گوناگون مانند: شعر، نوشتار، سخنرانی، فیلم، مستند، نقاشی و ... که تأثیرات عمومی و بر فرهنگ مردم دارند، در جهت بیداری و خودباوری ملت

بهره برد. به عبارت دیگر، فضا سازی به علت در ارتباط بودن با مردم به صورت روزانه و از جهات گوناگون و متناسب بودن با شرایط و سلیقه های گوناگون، ابزاری بسیار مناسب جهت بیداری و بصیرت ملت است. فضا سازی و افزایش سطح آگاهی، باید به اندازه ای رشد و توسعه یابد که از تمام مملکت بوی بیداری به مشام برسد (همان، ج 4، ص 94).

در جریان بیداری و خودباوری ملت نباید فقط علل و عوامل مادی را در نظر گرفت زیرا این دو فقط معلول علل مادی نیستند. این دو معلول عواملی مانند: دعا های مردم، نیت های مردم، توکل و توسل مردم و ... نیز هست؛ یعنی مردم برای بیداری و خودباوری یکدیگر افزون بر این که باید فعالیت بیرونی مانند فرهنگ سازی، گفتمان سازی، سخنرانی و ... انجام دهند، باید برای دعا کنند، نیت های خود را خالص کنند، توکل و توسل داشته باشند و ...

بیداری و خودباوری باید با کمک و به سمت فرهنگ اسلامی باشد. فرهنگ اسلام، فرهنگی است که مردم را آگاهانه به سمت مصالحشان هدایت می کند و چون مسلمانان در کنار یکدیگر و با هم تعریف می شوند، این هدایت به سمت مصالح مسلمانان است. به عبارت دیگر، اگر فرهنگ جامعه بر مبنای فرهنگ اسلام شکل بگیرد، ساختار آن به گونه ای خواهد شد که مردم را به سمت بیداری و آگاهی خواهد برد؛ برای مثال، ساختار نماز جماعت، ساختار نماز جمعه، ساختار حج و ... به گونه ای است که در آن ها مردم به بیداری و آگاهی دعوت شده و بیدار می شوند. فقط کافی است که مردم خود را در این راه قرار دهند (همان، ج 18، ص 53)؛ بنابراین یکی از اقشاری که باید در جهت بیداری و حفظ ملت و خودباوری وی بکوشند، روحانیون هستند چرا که هم مخاطبان آن ها قشر وسیعی از جامعه هستند و هم وجهه اسلامی آنان، بر تأثیر پذیری مردم از آنان می افزاید (همان، ج 17، ص 207؛ ج 17، ص 61)؛ برای مثال، خود امام خمینی علیه السلام نمونه های گوناگونی، از مصرفی بار آمدن ملت، متأثر شدن حتی در نام گذاری ها، به تباهی کشاندن جوانان، خیانت دولت مردان و ... را بیان می دارند تا مردم را درباره کوشش دشمن در جهت تسلط ذهنی و فکری و ناتوان نشان دادن ملت و در نتیجه وابستگی ملت به خود، بیدار کنند (همان، ج 21، ص 417-415).

گام دوم؛ همت، عزم و اراده ملی

همت یا همان عزم و اراده، گام بعد از بیداری و نتیجه آن و مرحله پیش از قیام و مشارکت است. جامعه برای این که بتواند در یک راه و برای رسیدن به هدف گام بردارد، باید ابتدا نسبت به خود و راه آگاه شود و در گام دوم برای حرکت، عزم کرده (همان، ج 18، ص 456) و یک همت همگانی در وی شکل بگیرد. همت یک ملت در راه هدف به این معناست که آن ملت تماماً بپذیرد که با توجه به ظرفیت‌ها و شناختی که از خود دارد، می‌تواند با تمام وجود در راه گام نهاده، در راه هدف ایستادگی کرده و به هدف خود نائل آید و یکی از عواملی که عزم و اراده و حرکت در راه رسیدن به هدف را آسان‌تر می‌کند، اندیشیدن در پیامدهای رسیدن به هدف است (همان). این گام نیز در ذهن افراد شکل می‌گیرد و آن‌گونه که در مرحله بیداری نیاز به عامل بیرونی برای بیدار کردن مردم بود در این گام نیاز نیست؛ یعنی اگر بیداری در مردم شکل بگیرد، مرحله عزم شکل خواهد گرفت. با بیداری ملت فقط توجه و آگاهی حاصل شده است اما این آگاهی صرف اگر چه از این جهت که از سنخ شناخت است مفید است اما ارزش چندانی ندارد چرا که هنوز به انقلاب و خیزش درونی نینجامیده است. انقلاب درونی یا باطنی زمانی حاصل می‌شود که ملت در جهت بیداری و بصیرت حاصله، همت و عزم کند (همان، ج 19، ص 479).

آنچه در این مرحله اهمیت دارد این است که مردم، ثبات در عزم و همت خود داشته باشند؛ یعنی عزم و اراده و همت آنان به تنهایی نتیجه و متأثر از احساسات نباشد بلکه نتیجه بیداری و بصیرت باشد. اگر همت و عزم مردمی در نتیجه بیداری نباشد، سریع شکل گرفته و سریع هم از بین خواهد رفت اما وقتی در نتیجه بیداری باشد نه تنها به زودی از بین نخواهد رفت بلکه مردم در برابر شکست‌ها هم مقاومت خواهند کرد. البته این که میزان مقاومت مردم تا چه اندازه باشد، بستگی به نوع و جهت بیداری و هدف آنان دارد. اگر بیداری و همت ملت در راه خداوند متعال ﷻ باشد، آن‌گاه خداوند متعال ﷻ به وی عنایت کرده و نیرو می‌دهد، آن‌گاه ملت قیام کرده و تا پای جان نیز ایستادگی می‌کند (همان).

گام سوم؛ قیام و مشارکت ملی

منظور از قیام یا مشارکت چیست؟ قیام یا مشارکت در این جا به معنای خیزش، به پا خاستن و نهضتی است که در نتیجه بیداری و بصیرت و با عزمی راسخ پدید آمده باشد. قیام حرکتی جمعی یا فردی، فعال، آگاهانه و داوطلبانه است که در بعد عمل مطرح می شود و نمود عینی بیرونی پیدا می کند. بعد از این که ملت بیدار شد و خواست آن گاه می تواند؛ یعنی ملت می تواند بیداری و خواست خود را در مرحله عمل محقق کند. در ساختار قیام، نیت نقشی اساسی دارد. ملت باید برای خداوند فعالیت کند، باید خداوند متعال ﷻ حاضر و ناظر دیده شود و هدف فقط و فقط کسب رضایت خداوند سبحان ﷻ باشد (همان، ج 4، ص 108).

در این ساختار، مردم نباید منتظر فراهم و جمع شدن ابزارهای مادی مورد نیاز قیام مانند امکانات دولتی، پول و مانند آن باشند. اصل بر فراهم بودن ابزار و امکانات لازم است که در این صورت کار بهتر و سریع تر پیش خواهد رفت اما اگر این ابزارها و امکانات فراهم نبود، نباید مشارکت و قیام تعطیل شود یا به تعویق افتد؛ یعنی قیام لله، هر چند به صورت مثنی و فردی* و بدون امکانات، باید انجام شود (همان، ج 4، ص 108؛ ج 4، ص 109؛ ج 5، ص 36). در نگاه امام خمینی ﷻ اولویت در کمک گرفتن از طبقه های مستضعف است که همواره به عنوان پیش قدمان مبارزه بوده اند.

در سه گام پیش گفته - بیداری، همت و قیام - دو وظیفه بر دوش جناح های پیش رو است که باید به صورت احسن به کار گرفته شود (همان، ج 4، ص 262). نخستین وظیفه این که باید با آگاهی دادن به مردم در جهت بیداری آنان کوشیده و آنان را بیدار کنند. به عبارتی باید در مردم روشنگری و تحول یا اصلاح فکری پدید آورند (همان، ج 5، ص 184). دومین وظیفه هم این که باید در مرحله سوم؛ زمانی که مردم خواسته اند و قیام کرده اند، آن ها را هدایت کنند تا انحرافی در راه پیش نیاید (همان، ج 4، ص 262)؛ زیرا این گروه ها اثرگذاری بیشتری نسبت به دیگر افراد جامعه دارند و هم چنین عمیق تر به مسایل نگاه می کنند و به مسایلی که اغلب مردم نادیده می گیرند توجه دارند. این گروه ها باید اختلافات با یکدیگر را نیز کنار

* «قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنَى وَفُرَادَى...» (سبا: 46).

بگذارند؛ زیرا اختلافات هنگامی که ملت می‌خواهد به سمت یک هدف مشخص حرکت کند، به نفع هیچ گروهی نبوده و نیروی عظیم مردمی را پراکنده خواهد کرد (همان، ج 1، ص 413). نکته مهم دیگری که باید در این قسمت به آن اشاره شود این که در مشارکت مردمی باید فقط یک نقطه اتکا وجود داشته باشد تا بتواند اتحاد را بین مردم پدید آورده و حفظ کند. این نقطه اتکا قرآن کریم و جریان روحانیت است (همان، ج 4، ص 53)؛ زیرا فقط این جریان است که می‌تواند مردم را به صورت اسلامی کنار هم گرد آورد؛ چون اگر ملت ببینند که کسی خدمت‌گزار به اسلام و کشور است و مسایلی را طرح می‌کند که خواست آن‌ها و در نهاد آن‌هاست، از وی پیروی خواهند کرد. هدف روحانیت پشتیبانی از دیانت مقدسه اسلام و قرآن کریم و طرفداری از مسلمانان است و اگر فرضاً اختلاف اجتهاد و نظری در امری جزئی و ناچیز باشد مانند دیگر اختلافات در امور فرعی، مانع از وحدت نظر در امور اصولی نیست و جریان روحانیت را از نقطه اتکا بودن خارج نمی‌کند (همان، ج 1، ص 412).

البته آنچه درباره نقش جناح‌های پیش‌رو بیان شد فقط تنها نمی‌تواند بر عهده جناح‌های پیش‌رو باشد. اگر چه نقش جناح‌های پیش‌رو در این‌باره بسیار مهم‌تر و پررنگ‌تر است اما همه ملت باید در راه آگاه‌سازی، بیداری و هدایت یکدیگر در جهت هدف و خواست مردم بکوشند. هم‌چنین باید در این جهت یکدیگر را امیدوار کرده و امیدوار نیز نگه دارند (همان، ج 13، ص 536)؛ چون تمام مردم به گونه‌ای می‌توانند نقش هدایتی از یک طرف و نقش رسانه‌ای و اطلاع‌رسانی از طرف دیگر داشته باشند؛ بنابراین بر همه آن‌ها لازم است که این جهت را رعایت کنند.

گفتنی است که سه گام و مرحله پیش‌گفته بر یکدیگر تقدم رتبی دارند نه تقدم زمانی؛ به این معنا که این‌گونه تصور نشود که باید ابتدا صددرصد گام اول در تمام مردم محقق شود و بعد صددرصد گام دوم و بعد تمام گام سوم بلکه هر مقدار از بیداری و خودباوری ملت هر چند به اندازه محدود بین چند نفر مشخص و در چند عرصه خاص به همان اندازه باعث عزم و قیام همان چند نفر در همان چند عرصه می‌شود و این روند به صورت تکاملی پیش می‌رود تا تمام جامعه را درگیر خود کند.

بحث و نتیجه گیری

بعد از احصا و بررسی بیانات حضرت امام خمینی علیه السلام درباره فرآیند مشارکت مردمی، به کمک روش نظریه پردازی داده بنیاد، تعداد 126 کد به دست آمد که از این کدها 49 مفهوم کلی و از این مفهوم ها نیز سه مقوله اصلی حاصل شد. با بررسی ربط و نسبت بین مقوله ها، یک مدل برای پدید ساختن مشارکت مردم در اقتصاد به دست آمد که به ترتیب از سه گام «بیداری و خودباوری ملی»، «همت، عزم و اراده ملی» و «قیام و مشارکت مردمی» تشکیل می شود. طبق این مدل، وی برای حضور، مشارکت و حرکت یک ملت در عرصه های گوناگون اجتماع از جمله اقتصاد، در جهت دستیابی به هدف که در نگاه وی رسیدن به کمال تعریف می شود، به طی راهی باور دارند که در آن باید گام های پیش گفته به ترتیب به انجام برسد. وی همان گونه که برای حرکت یک فرد در جهت کمال به طی گام هایی مانند یقظه، عزم و ... باور دارند، ملت را نیز به مثابه یک کل واحد می بینند که قرار است در سیر الی الله حرکت کرده و رشد کند.

طبق این مدل، مهم ترین و اصلی ترین راه کار و به عبارتی نخستین گام برای دستیابی به وضعیت مطلوب، این است که باید مردم را به یک آگاهی و خودباوری اقتصادی رساند. بیداری و خودباوری، نخستین مرحله از فرآیند مشارکت مردمی است که بعد از آن در مردم همت و انگیزه لازم برای حضور و مشارکت پدید آمده و در انتها به قیام مردمی در برپایی اقتصادی خواهد انجامید که مقاومت در برابر هجوم های اقتصادی دشمن یکی از ویژگی های آن خواهد بود. به عبارت دیگر اگر این مدل به اجرا درآید آن گاه به قیام و مشارکت مردمی در عرصه های گوناگون اجتماع از جمله اقتصاد خواهد انجامید که در این صورت به قطع یکی از ارکان اقتصاد مقاومتی، که مردمی شدن اقتصاد است، محقق می شود. آنچه در این مدل از اهمیت خاصی دارد این است که باید نهایت کوشش در جهت تحقق بیداری و خودباوری مردم، به عنوان گام نخست و اصلی مدل، صورت گیرد که در این صورت بقیه مدل به صورت یک فرآیند پیوسته به وقوع خواهد پیوست.

منابع و مأخذ

1. پیغامی، عادل؛ درس گفتارهای اقتصاد مقاومتی؛ ج 2، تهران: انتشارات سدید، 1395.
2. تبیان؛ جایگاه مردم در نظام اسلامی از دیدگاه امام خمینی علیه السلام؛ تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، 1384.
3. ترابزاده جهرمی، محمدصادق، سیدعلی رضا سجادیه و مصطفی سمیعی نسب؛ «بررسی ابعاد و مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران در اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای»؛ فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، س 10، ش 32، 1392.
4. جهانی‌پور، یاسر؛ «ده منزل سلوک در آثار حضرت امام خمینی علیه السلام»؛ مجله پاسدار اسلام، ش 319، 1387.
5. حسنی، مجتبی و سیدحسین حسینی؛ امام، مردم، اقتصاد؛ تبیین الگو و معیارهای اقتصاد مردم‌محور مبتنی بر اندیشه امام خمینی علیه السلام؛ تهران: انتشارات سدید، 1395 (الف).
6. _____؛ «تبیین فرآیند مشارکت مردمی در شکل‌گیری الگوی دفاع اقتصادی از جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر اندیشه حضرت امام خمینی علیه السلام»؛ نسخه الکترونیکی مجموعه مقالات دفاع اقتصادی، 1395 (ب).
7. حسنی، مجتبی و جواد کجوری؛ اقتصاد مقاومتی و دفاع مقدس؛ بررسی تجربه حماسه دفاع مقدس و آموزه‌های آن در اقتصاد مقاومتی؛ تهران: انتشارات سدید، 1395.
8. موسوی خمینی، سیدروح‌الله؛ صحیفه امام؛ 21 جلد، چ 4، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، 21 جلد، 1385.
9. _____؛ شرح حدیث جنود عقل و جهل؛ قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، 1387.

10. داستانی بیرکی، علی؛ مشارکت عمومی در اندیشه امام خمینی علیه السلام؛ تهران: چاپ و نشر عروج وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، 1386.
11. دانایی فرد، حسن؛ «روش‌شناسی مطالعات دلالت پژوهی در علوم اجتماعی و انسانی: بنیان‌ها، تعاریف، اهمیت، رویکردها و مراحل اجرا»؛ فصلنامه علمی پژوهشی روش‌شناسی علوم انسانی، س 22، ش 86، 1395.
12. دانایی فرد، حسن و سیدمجتبی امامی؛ «استراتژی‌های پژوهش کیفی: تأملی بر نظریه‌پردازی داده‌بنیاد»؛ اندیشه مدیریت، س 1، ش 2، 1386.
13. موسایی، میثم؛ امام خمینی، دولت و اقتصاد؛ تهران: چاپ و نشر عروج وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، 1386.
14. مهربابی، امیرحمزه؛ حسین خنیفر؛ علی‌نقی امیری؛ حسن زارعی‌متین و غلام‌رضا جندقی؛ «معرفی روش‌شناسی نظریه داده‌بنیاد برای تحقیقات اسلامی (ارائه یک نمونه)»؛ مدیریت فرهنگ سازمانی، س 9، ش 23، 1390.
15. مهریزی، مهدی؛ اندیشه‌های اجتماعی امام خمینی علیه السلام؛ تهران: چاپ و نشر عروج وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، 1385.
16. نوری، فریده؛ ابراهیم میرشاه جعفری و زهره سعادت‌مند؛ «بررسی رابطه بین خودباوری تحصیلی با پیشرفت تحصیلی در درس فیزیک مبتنی بر انگیزه تحصیلی»؛ پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، س 12، دوره دوم، ش 19، 1394.
17. _____؛ همبستگی ملی و مشارکت عمومی از دیدگاه امام خمینی علیه السلام؛ تهران: چاپ و نشر عروج وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، 1386.
18. یوسفی، احمدعلی؛ مبانی و مدل‌های مشارکت مردمی در اقتصاد مقاومتی؛ شهرکرد: نشر مقاومت، 1395.